



عبرها
مهر ۱۳۹۸

به گفته ی وزیر خارجه ی ما که زحمت هم میکند، اروپا بازده تعهد داشته و به هیچ کدام عمل نکرده. اما ما چه کردیم؟ ما به آن تعهدات و چیزی بالاتر از آن عمل کردیم. حالا که ما شروع کردیم به کاهش دادن تعهدات، آنها می آیند جلو، خوب بپروها! شما که به بازده تعهدتان عمل نکردید؛ حالا ما تازه شروع کردیم به کم کردن تعهدات و این فرایند قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد.



◀ ملت ایران را شناختن

آن روز که دونالد ترامپ امضای حکم خروج آمریکا از برجام را در برابر دوربین های تلویزیونی گرفته بود و از آغاز فشار حداکثری به تهران خبر می داد! هرگز باور نمی کرد که یک سال بعد شرایطی چنین بغرنج را در برابر ایران تجربه کند! رئیس جمهور آمریکا که خیال می کرد با خروج از برجام هم فشارها را افزایش می دهد و هم محدودیت های هسته ای ایران را با کمک اروپایی حفظ می کند، خیال نمی کرد یک سال بعد ایران هم گام های خود را برای کاهش محدودیت ها هسته ای و توقف تعهدات برجامی آغاز کند و هم فشارهای دولت آمریکا اثر خود را از دست داده و اقتصاد ایران در مسیر ثبات قرار گرفته باشد.

هرگز نمی توانست تصور کند، همه تلاش اش برای تحت فشار قرار دادن ایران با طرح موضوع حمله نظامی و جنگ روانی فرستادن ناو جنگی به منطقه، به لنگر انداختن ناو «آبراهام لینکلن» در خارج از خلیج فارس از ترس واکنش ایران و سرنگون شدن پهپاد جاسوسی فوق پیشرفته «گلوبال هاوک» به محض ورود به حریم هوایی ایران، منتهی شود! اما او از یک چیز خبر داشت، و آن همراهی کشورهای اروپا در پیش بردن سیاست های ضد ایرانی اش بود، اروپایی ها بعد از خروج آمریکا با لفاظی ها و وقت کشی های خود به مدت یکسال سیاست حفظ محدودیت ها همراه با افزایش فشار را پیش بردند و حالا هم که ایران به صبر استراتژیک خود پایان داده، دو رویکرد تهدید و اقدامات خبیثانه مانند آنچه انگلیس با راهزنی دریایی انجام داد و خرید زمان بیشتر با آمد و شدهای دیپلماتیک، مانند آنچه فرانسه این روزها انجام می دهد ترامپ را در مقابل تهران تنها نگذاشتند!

اما او نمی دانست ملت ایران بارها نشان داده است اگر همه جهان هم برای مقابله با آنها متحد شوند هم از راه خود باز نمی ایستند، خواه جنگ ۸ ساله باشد، خواه فتنه ۸ ماهه و خواه بازی برجام...

◀ طرف چه کسی هستند؟

فرجام برجام، بدعهدی آمریکا، وقت کشی اروپا، و در مقابل تعهد و پایبندی ایران به توافق هسته‌ای، موضوعاتی نیست که بتوان انکار کرد، شرایط آنقدر روشن و واضح است که نوشتن درباره آن، توضیح واضحی است! اما با وجود این و در کمال حیرت شاهد آن هستیم که جریان‌هایی در داخل کشور بازهم انگشت اتهام را به سوی مقامات کشورمان می‌گیرند! و خواستار دادن امتیازات بیشتر و بیشتر می‌شود؟

گزارش روزنامه «همدلی» یکی از مصداق همین موضوع است، این روزنامه بدون آنکه توضیح دهد بر اساس کدام قرائن و شواهد به این نتیجه رسیده که «عزم اروپا در حفظ برجام جدی است» و بدون آنکه توضیح دهد رهاورد برجام برای کشور دقیقا چه بوده است که باید همچنان آن را حفظ کرد می‌نویسد «همکاری تهران با اروپا مطمئن‌ترین مسیر حفظ برجام است». و مدعی می‌شود که ایران باید برای حفظ برجام کاری کند این روزنامه همچنین می‌افزاید «شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهند حفظ برجام متضمن قبول همکاری‌هایی بیشتری است که آنها از ایران انتظار دارند. اگر چه پایبندی ایران به برجام مورد تأیید اعضای اروپایی برجام است، اما آنها مانند آمریکا در قبال سیاست‌های منطقه‌ای ایران و برنامه موشکی آن موافقتی ندارند و این دست از رفتارها و سیاست‌ها را به گمان خود بدخیم و ثبات‌زدا می‌دانند.»

جملاتی را که این سوال به وجود می‌آورد که ستون نویسان و گزارش نویسان این روزنامه کدام طرف این تقابل ایستاده‌اند! آنها در تهران باید حامی منافع ملی ما باشند یا زبان گویای غرب؟ چگونه ممکن است یک تحلیلگر و کارشناس به جای آنکه به فکر امنیت کشور و میهن خود باشد، از مذاکره بر سر تجهیزات دفاعی یک ملت ۸۰ میلیونی سخن می‌گوید؟ واقعا اینها طرف چه کسی هستند! ملت ایران یا دشمنان آن؟

◀ شکست را قبول کن!

امارات متحده عربی رسماً اعلام کرد که در حال خروج از یمن است و سیاستش از جنگ به صلح تغییر کرده است، اما مهم‌تر از این اعلام رسمی پیام‌هایی است که حکام این کشور حاشیه خلیج فارس به صورت سری و در پس پرده در حال ارسال آن هستند، پیام‌هایی که «الخبار» درباره آنها چنین می‌نویسد: «حاکمان ابوظبی پس از آنکه آتش به داخل خانه‌های شان رسیده برای دور کردن این آتش، دست به دامن تهران شده‌اند و هیئتی امنیتی از امارات به پایتخت ایران سفر کرده است، این هیئت بر اساس اخبار منابع دیپلماتیک، خواستار بازگرداندن روابط میان دو کشور به روال قبلی است»، این روزنامه همچنین فاش می‌کند، باوجود اینکه ایران درخواست امارات را رد کرده و اعلام کرده است پس از عبور امارات از خطوط قرمز، دیگر راهی برای بازگشت نمانده، شیوخ امارت ناامید نشده و از مقامات مسکو خواسته‌اند که به نمایندگی از ابوظبی به تهران این پیام را برسانند که سیاست‌های امارات تغییر کرده و آماده جبران گذشته است!

اما التماس‌های مقامات امارتی همه ماجرا نیست، و نشانه‌های فراوانی وجود دارد که حتی دولت سعودی به عنوان راس ائتلاف ضد مقاومت در منطقه نیز دچار سردرگمی است و هیچ چشم انداز روشنی در برابر خود نمی‌بیند، منابع مطلع اعلام کرده‌اند «مؤسسه بین‌المللی مطالعات ایران» وابسته به خاندان پادشاهی سعودی به تازگی در گزارشی محرمانه خطاب به ولیعهد سعودی با تأکید براینکه چاره‌ای جز قبول شکست علیه محور مقاومت و تغییر سیاست‌های خود ندارد، نوشته است «تداوم مشی فعلی در سیاست خارجی سعودی می‌تواند این کشور را با چالش‌های جدی در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه کند. «محمدبن سلمان» باید در رویکردهای خود نسبت به ایران تجدیدنظر کند وگرنه اعتبار عربستان در میان کشورهای عربی با چالش جدی روبرو خواهد شد.»

به نام حضرت دوست

مؤلفه های تحلیل واقع نگر در بیانیه گام دوم نقاط قوت و پیشرفت های جمهوری اسلامی (۳)

اشاره: بخشی از فلسفه نگارش بیانیه راهبردی گام دوم، ارائه تحلیل صحیح و واقع نگر از مسیر طی شده گام اول در برابر تحلیل های نادرست و واقع پندار است. برای دستیابی به تحلیل درست باید چند مؤلفه در کنار یکدیگر مورد مطالعه قرار گیرد. نخستین مؤلفه «نقاط قوت» و پیشرفت های نظام ج.ا.ایران نسبت به روند گذشته و در مقایسه با روند موجود سایر کشورها در عرصه بین المللی است. نگارنده حکیم بیانیه در مقاطع زمانی گذشته نسبت به اهمیت استخراج فهرست منطقی نقاط قوت و ضعف توسط اصحاب فکر و مسئولان کشور مطالبه نموده بودند:

«من خواهش می کنم این است که مسئولان، نخبگان، دانشگاهیان و حوزویان بنشینند یک فهرستی از نقاط مثبت، یک فهرستی از نقاط منفی تهیه کنند. این نقاط مثبت ظرفیت ها را به ما نشان خواهد داد که ما چه ظرفیت ها و چه امکاناتی در کشور داریم. آن ستون نقاط منفی اولویت ها را به ما نشان خواهد داد که چه کارهایی را باید بکنیم. وقتی که این دو تا را در کنار هم گذاشتیم، این می تواند راه ما را روشن کند.»^۱

در شماره های قبل به دو عامل قوت و پیشرفت نظام یعنی «استقلال» و «مردم سالاری» اشاره شد و از این قسمت، آثار گسترده انقلاب اسلامی را در «پیشبرد دین و معنویت» در سطح جهان و ایران مورد بررسی قرار می دهیم. این موضوع بسیار گسترده و شناخت آن از جهات متعددی برای تحلیلگران سیاسی حائز اهمیت می باشد. به عبارت دیگر چالش اصلی نظام سلطه مادی با انقلاب اسلامی، ارائه الگوی جدید الهی- انسانی برای اداره زندگی بشر توسط ج.ا.ایران است که مورد استقبال مردم جهان قرار گرفته و با مقاومت انقلابی و پیشرفت غیر قابل تصور می رود تا نظم ظالمانه موجود حاکم بر روابط بین الملل را تغییر دهد. بنابراین محور چالش اصلی جبهه استکبار علیه انقلاب، همان دعوای پر سابقه جبهه تاریخی طواغیت با جبهه انبیا و پیروان آنها یعنی دعوای «شُرک و الحاد» با «دینداری» است.

برای بررسی دقیق تر این موضوع باید وضعیت تمدنی دو جبهه مادی گرا و الهی در سطح جهان را در دوران قبل از انقلاب مورد بررسی قرار دهیم. لذا در این یادداشت به عنوان مقدمه به این مهم می پردازیم و در شماره آینده به نقش انقلاب اسلامی در گسترش دین و معنویت در سطح جهان و ایران خواهیم پرداخت.

۱. دین و معنویت در عرصه تفکر و فرهنگ

جریان فکری مادی گرایی در طول تاریخ پس از گذار از انواع و اقسام بت پرستی های سنتی، با ایجاد تحول رنسانس^۲ و آغاز مدرنیته، گونه متکاملی از بت پرستی را طراحی و تولید نمود که از سوی بشر به اصطلاح- اهل دانش و خرد نیز قابل پذیرش و پرستش باشد. بت پرستی جدید با تکامل فوق العاده ای نسبت به اقسام گذشته، از جمادات، حیوانات و فراعنه به پرستش «نفس اماره بشر» در قالب پایه گذاری «جهان بینی اومانیسیم»^۳ به جای «جهان بینی توحیدی» رسید. رنسانس پایه های اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تمدن و سلطه فرهنگی کنونی غرب را بنا نهاد. بنیان تمدن مدرن غربی بر مادی گرایی استوار است. مهم ترین اصول و مبانی مدرنیته به لحاظ نظری و شناخت شناسی را «علم گرایی» (سیانتیزم ماده محور)، روشنفکری (غیردینی)، مادی گرایی، انسان گرایی (اصالت نفس اماره)، فردگرایی افراطی، لیبرالیسم (اباحه گری)، حس گرایی (نفی حقایق ماوراءالطبیعی)، دنیاگرایی (در برابر آموزه های وحیانی) و سنت ستیزی (مقابله با ادیان الهی) تشکیل می داد. این فضای فکری و فرهنگی، به هر بهانه و دلیلی حاکم گردید، در حقیقت اعلام جنگ صریح علیه «خدا»، دین و معنویت بود.

^۱ ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

^۲ انسان غربی در این دوره دین و کلیسا محوری و تفسیر آن از انسان و جهان را کنار گذاشت و «انسان محوری» را در ارتباط با دین، هنر، ادبیات و سایر معارف مدنظر خود قرار داد.

^۳ اومانیسیم به معنای اصالت «بشر» در برابر اصالت «خدا» است

۲. دین و معنویت در عرصه سیاسی و بین المللی

ادیانی مانند مسیحیت نیز با طرح «پروتستانتیسم» از حضور در عرصه اجتماعی کنار گذاشته شد و حاکمیت سیاسی به صورت تمام عیار در اختیار مادی گرایان اومانیست و ایدئولوژی های سیاسی شان که برای جایگزینی مکاتب توحیدی طراحی گردید قرار گرفت. از بین ایدئولوژی های بشری مادی گرا نهایتاً دو ایدئولوژی لیبرالیسم و مارکسیسم بعد از جنگ های جهانی زمام حکمرانی جهان مادی را به دست گرفتند. فضای حاکمیت جهان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد و کشورها بر اساس نظریه وابستگی در روابط بین الملل، الزاماً باید وابسته به یکی از دو ایدئولوژی مادی گرا بودند که به صراحت نعره الحاد و نابودی دین را سر می دادند. ایدئولوگ های مارکسیست دین را «افیون» می دانستند^۴ و فیلسوفان لیبرالیست، -نعوذ بالله- «مرگ خدا» را عامل بسط مدرنیته و توسعه غرب قلمداد می نمودند. نیچه، درباره توصیف دنیای مدرن می نویسد: «خدا مرده است؛ اما با توجه به مرام بشر، ممکن است برای هزاران سال غارهایی وجود داشته باشد که سایه او در آنها نمایش داده شود و ما؛ ما هنوز باید سایه او را نیز محو کنیم.»^۵

در این فضا، کامل ترین دین توحیدی یعنی اسلام نیز از طریق فعالیت گسترده و سازمان دهی شده جریان روشنفکری مادی گرا با دو جناح غربزده و شرق زده با ابداع نوع جدیدی از پروتستانتیسم مسیحی در بعد ناقص شخصی سازی گردید. همچنین مبارزه تمام عیار حاکمان مدرن جهان علیه پوشش و فرهنگ سلطه ناپذیر اسلامی از طریق حاکمان وابسته در جهان اسلام به علاوه ایجاد فرقه های انحرافی مذهبی و سیاسی (مانند وهابیت) موجبات نفوذ و شکست پذیری و در نتیجه استمرار سلطه حکام مادی گرای وابسته را فراهم ساخته بود.

«دین» در ایران از عصر قاجار و به ویژه در دوران پهلوی به صورت جدی هدف هجوم فکری و فرهنگی غرب از طریق تربیت یافتگان وابسته قرار گرفته بود. جلال آل احمد که از جمله مخالفان اقدامات روشنفکران غربزده بود، و آنان را مقلدانی کورکورانه می داند که بدون فهم تفکر مدرن، مبهور و دنباله‌رو آن شده اند ضمن بیان این مطلب که جریان روشنفکری مدرن در غرب به ارتداد و مخالفت با کلیسا و نهایتاً شورش علیه دین انجامید، می نویسد: «جالب این که روشنفکران ما بی اینکه مقدمات و مؤخرات کافی برای چنین ارتدادی در دست داشته باشند در این زمینه هم مقلدان صرف روشنفکر فرنگی درآمدند.»^۶ مهم ترین اهداف روشنفکری غربزده در ایران عبارت بود از: مخالفت و دشمنی با دین و عقاید و فرهنگ دینی، ترویج بی اعتقادی به فرهنگ بومی و تحقیر آن، تبلیغ گسترده فرهنگ و مکاتب الحادی بیگانه (غربی-شرقی).^۷

مقابله با دین و گسترش الحاد از طریق اقدامات مهم زیر و توسط جریان روشنفکری وابسته در ایران در دست اجرا بود: جایگزینی باستان گرایی و آموزه های زرتشتیت انحرافی به جای اسلام، خلع ید علما و مجتهدین از امور قضایی و اجتماعی، حذف دین از امور قانون گذاری (مشروطه غیر مشروعه)، تغییر رسم الخط فارسی به لاتین، تغییر آشکار در احکام اسلامی (پروتستانتیسم اسلامی) که از طریق افرادی مانند شریعت سنگلجی، کاظم زاده، احمد کسروی و ... به صراحت دنبال می شد. روند تحریف و مبارزه با دین بدانجا کشید که کسروی با انتشار کتاب «آیین» اعلام جنگ رسمی علیه مذهب تشیع داده، اول دی ماه هر سال تمامی کتاب های مذهبی از جمله مفاتیح الجنان و ... را جمع و با انداختن در تلی از آتش جشن به راه می انداخت. از سوی دیگر پهلوی ها به تبعیت از غرب مدرن و هم زمان با آتاتورک در ترکیه، جنگ علیه کشف حجاب را رسماً کلید زدند و فاجعه کشتار مسجد گوهرشاد رقم خورد. در نتیجه گسترش مراکز فساد و فحشا و عقب ماندگی فرهنگی و تمدنی کشور نیز به رغم اطلاق نام اسلام بر شاه رقم خورد.

^۴ کارل مارکس، فیلسوف آلمانی به نقل از کتاب وی؛ «نقد فلسفه حق هگل».

^۵ فردریش نیچه آلمانی که آثارش تأثیری عمیق بر فلسفه غرب و اندیشه مدرن بر جای گذاشته است. به نقل از کتاب وی «دانش طربناک»، ص ۱۰۸

^۶ در خدمت و خیانت روشنفکران، ص ۲۵

^۷ ارتجاع روشنفکری، موسسه فرهنگی ولاء منتظر، ص ۵۲.

برنامه های بسیار پر هزینه و مؤثری در راستای امحاء فرهنگ نجیبانه دینی در ایران از سوی گماشته و ژاندارم امریکا به اجرا درآمد که از جمله آن جشن هنر شیراز بود. هدف از برگزاری این جشن که همه ساله برای اجرای آن سعی و کوشش به عمل آمد، استحاله فرهنگی اسلامی مردم و باز کردن راه نفوذ فرهنگ غرب به داخل کشور بود. در ۲۷ شهریور ۱۳۴۶ و در ماه مبارک رمضان، شهر شیراز شاهد نمایش‌ها و صحنه‌های وقیحی بود که حکومت شاه از آن به عنوان «جشن هنر» یاد کرده و هزینه‌های سنگینی را صرف اجرای آن نمود. هدف از برگزاری این جشن که همه ساله برای اجرای مجدد آن سعی و کوشش به عمل آمد، استحاله فرهنگی اسلامی مردم و باز کردن راه نفوذ فرهنگ غرب به داخل کشور بود. کسانی که به عنوان هنرمند از آمریکا و کشورهای اروپایی برای شرکت در جشن هنر شیراز به ایران دعوت شده بودند، شامل رقاصه‌ها، فاحشه‌ها، موسیقی‌دانان، خوانندگان و بازیگران فیلم‌های غیراخلاقی سینماهای غربی بودند. آنتونی پارسونز آخرین سفیر انگلستان در ایران قبل از انقلاب، درباره جشن هنر شیراز چنین می‌گوید:

«فستیوال بین‌المللی هنری شیراز (جشن هنر شیراز) که سالانه برگزار می‌شد از آغاز به علت نوآوری‌ها و نمایشاتی که با روحیات جامعه سنتی و اسلامی ایران تطبیق نمی‌کرد موجب تضادها و مباحثاتی شده بود. از جمله نمایشات مسخره‌ای که من از این جشن بیاد دارم صحنه‌ای از نمایش رقاصان برزیلی بود که در حین رقص سر مرغ‌های زنده را با دندان جدا می‌کردند، یا نمایشی از هیجان و از خود بیخود شدن مردم در حال عزاداری که بی‌شبهت به مراسم عزیه نبود و نشان دادن آن در یک کشور مسلمان به هیچ‌وجه تناسبی نداشت .

جشن هنر شیراز در سال ۱۹۷۷ از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان از جشن‌های پیشین فراتر رفته بود. به طور مثال یک شاهد عینی صحنه‌هایی از نمایشی را که موضوع آن آثار شوم اشغال بیگانه بود برای من تعریف کرد. گروه تئاتری که این نمایش را ترتیب داده بودند یک باب مغازه را در یکی از خیابانهای پر رفت و آمد شیراز اجاره کرده و ظاهراً می‌خواستند برنامه خود را به طور کاملاً طبیعی در کنار خیابان اجرا کنند. صحنه نمایشی نیمه در داخل مغازه و نیمه در پیاده‌رو مقابل آن بود. یکی از صحنه‌ها که در پیاده‌رو اجرا می‌شد تجاوز به عنف بود که به طور کامل (نه به طور نمایشی و وانمودسازی) به وسیله یک مرد در مقابل چشم همه صورت می‌گرفت.

واکنش مردم عادی شیراز که ضمن گردش در خیابان یا خرید از مغازه‌ها با چنین صحنه مسخره و تنفرانگیزی روبرو می‌شدند معلوم است، ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراضی که علیه این نمایش برخاست به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به خاطر دارم که این موضوع را با شاه در میان گذاشتم و به او گفتم اگر چنین نمایشی به طور مثال در شهر «وینچستر» انگلیس اجرا می‌شد کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم بدر نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.^۸

ویلیام شوکراس روزنامه‌نگار و نویسنده انگلیسی نیز درباره تأثیر جشن هنر شیراز می‌نویسد: «ملکه ریاست جشن هنر شیراز را نیز بر عهده داشت. در اواسط سال های ۷۰ جشن مزبور یکی از پر جنجال‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور به شمار می‌رفت... جنجال‌های جشن هنر وقتی به اوج خود رسید که در سال ۱۹۷۷ یک گروه هنرپیشه دکانی را در یکی از خیابانهای اصلی شیراز در نزدیکی مسجد گرفت و در درون دکان و در پیاده‌روی جلو آن نمایشی اجرا کرد که شامل یک هتک ناموس تمام عیار و اعمال شهوت‌انگیز بین هنرپیشگان زن و مرد بود. چنین نمایشی در خیابان‌های هر شهرک انگلیسی یا آمریکایی جنجال برپا می‌کرد (و منجر به بازداشت هنرپیشگان می‌شد). وقتی نمایش مزبور در شیراز اجرا شد، خشم و آزرده‌گی فراوانی برانگیخت.^۹

آنچه گفتیم نمونه‌های معدودی از تلاش سازماندهی شده برای گسترش جهانی الحاد و مقابله با دین و معنویت بود که البته با وقوع انقلاب اسلامی به صورت غیر قابل تصویری دچار تغییر و واژگونی شد. این موضوع را در شماره آینده پی خواهیم گرفت.

^۸ غرور و سقوط، خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، صص ۹۰ تا ۹۲

^۹ آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، ص ۱۱۵.